

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و یکم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سردبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدرضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمدعلی اکبری

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

The Impact of the Context of Issuance of Narrations on Understanding Words and Phrases in the Context of Inference, with an Emphasis on the Principles and Jurisprudential Views of Ayatollah Naeini

Hamid Zera'at Kashani¹

Abstract

Understanding the words and phrases of narrations is the first step in comprehending these statements, but a question arises in this process: Does the context of the issuance of narrations play a role in this understanding? Is merely considering the literal meaning of the words sufficient for understanding the meanings of the individual words? The proper realization of this understanding may require elements such as familiarity with the context of issuance, which is a non-verbal circumstantial evidence accompanying the issuance of narrations. Disregarding this influential element can sometimes lead the audience of narrations astray, because understanding the colloquial implication (Zohur) and, consequently, the speaker's intent relies on these circumstantial evidences, as Naeini states. Without considering the circumstantial evidences of narrations, a different implication from the one based on circumstantial evidences is formed in the mind. Of course, this discussion is quite different from compensating for the weakness of the indication; in other words, sometimes circumstantial evidences determine the colloquial implication (Zohure 'orfi) because implication is either based on wording or circumstantial evidence. It is worth mentioning that the impact of the context of issuance is not limited to understanding the meaning of individual words in narrations, but in addition to influencing the correct understanding of individual words, such as understanding a particular word as general, understanding a general word as particular, and understanding an unconditional word as conditional, it also affects the correct understanding of the combination of words despite the clarity of the meaning of their individual words, as a result of paying attention to the context

1. Researcher at the Jurisprudential Center of Imams (peace be upon them), Professor of higher levels; hzkashan65@yahoo.com.

of issuance. This article aims, in addition to discussing the issues related to implication by induction in the books of jurists and narrative sources, to examine and elucidate under specific headings the effects of paying attention to the context of issuance of narrations in understanding words and phrases in the context of inference from the viewpoint of jurists, with an emphasis on the principles and jurisprudential views of Ayatollah Mohammad Hosein Naeini.

Keywords: Colloquial Implication, Speaker's Intent, Intention of Usage, Circumstantial Evidence, Contextual Evidence, Naeini.

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیستم و یکم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

تأثیر فضای صدور روایات در فهم واژه‌ها و ترکیب‌واژه‌ها در راستای استنباط با تأکید بر آراء اصولی و فقهی آیت الله نائینی^۱

حمید زراعت کاشانی^۱

چکیده

فهم واژه‌ها و ترکیب واژه‌های روایات، اولین گام در فهم این گزاره‌هاست اما در این مسیر سوالی رخ می‌دهد که آیا فضای صدور روایات در این فهم نقشی دارد؟ آیا صرف لحاظ معنای موضوع له واژگان کلام برای فهم معانی مفردات کفایت می‌کند؟ تحقق صحیح این فهم، ممکن است عناصری را لازم داشته باشد از جمله آشنایی با فضای صدور که همراه صدور روایات، یعنی قرینه غیرلفظیه‌ای است. بی‌اعتنایی به این عنصر نقش‌آفرین، گاه مخاطب روایات را به بیراهه می‌برد؛ چراکه فهم ظهور عرفی و در پی آن، مراد متکلم، متکی بر این قرائن است. همان‌طور که مرحوم نائینی می‌فرماید بدون توجه به قرائن روایات، استظهاری متفاوت از استظهار متکی بر قرائن، در ذهن شکل می‌گیرد. البته این بحث با جبران ضعف دلالت بسیار متفاوت است؛ به دیگر سخن، گاه قرائن، تعیین‌کننده ظهور عرفی هستند، چراکه ظهور یا به وضع است یا به قرینه. شایان بیان است تأثیر فضای صدور، منحصر به فهم معنای مفردات روایات نیست بلکه افزون بر تأثیر در فهم صحیح مفردات مثل عام‌فهمی خاص‌نما، خاص‌فهمی عام‌نما، مقیدفهمی اطلاق‌نما، در فهم صحیح ترکیب‌واژه‌ها در عین وضوح معنای مفردات آن، از آثار توجه به فضای صدور است. این نوشتار درصدد است افزون بر طرح مباحث مربوط به استظهار با استقراء در کتب فقهاء و مصادر روایی، آثار توجه به فضای صدور روایات در فهم واژه‌ها و ترکیب واژه‌ها در راستای استنباط در دیدگاه فقها با تأکید بر نظرات اصولی و فقهی آیت‌الله محمدحسین نائینی^۱ را بررسی و تحت عناوینی مشخص تبیین نماید.

واژگان کلیدی: ظهور عرفی، مراد متکلم، اراده استعمالیه، قرینه حالیه، قرینه مقامیه.

فقه واجتهاد / تأثیر فضای صدور روایات در فهم واژه‌ها...

مقدمه

انتقال معانی بدون توجه به بستر ایجاد سخن و اقتضائات آن، به دور از فصاحت و بلاغت و گاه به نقض غرض حتی گاه موجب اغراء به جهل می‌شود؛ معصومین علیهم‌السلام که مبینان شریعت مطهر بوده‌اند، افزون بر آنکه شأن اصلی ایشان هدایت‌گری و تبیین شریعت بوده است، آگاه‌ترین مردم بوده و در اوج بلاغت و شیوایی و مصلحت‌نگری سخن رانده‌اند.

کلمات و افعال و تقریر معصومین علیهم‌السلام در فضایی دربردارنده قرینه‌های گوناگون بوده است؛ گاه پرسشی که مخاطب ایشان در موضوع و موردی خاص پرسیده منجر به ظهور کلام معصوم علیهم‌السلام در معنایی خاص می‌شده است؛ نیز گاه سخن معصوم علیهم‌السلام اشاره به شخص یا موضوعی خارجی بوده، بر این بنیان مخاطبان در فضای صدور، اطلاق یا عمومیتی از الفاظ روایت به دست نمی‌آوردند و گاه لفظ مجمل‌نما یا مشترک‌نمایی که در سخن معصوم علیهم‌السلام وجود دارد، ظهور در معنای خاصی داشته است.

عنایت به مطالب فوق هادی به این مطلب است که فهم سخن حضرات علیهم‌السلام بدون توجه به شرایط صدور و قرائن همراه، منجر به فرو غلتیدن در ورطه کج فهمی ناموجه و احیاناً نافهمی است؛ زیرا همان‌طور که نائینی هم بیان داشته اثبات حکم شرعی از اخبار، متوقف بر بررسی اصل صدور و جهت صدور و ظهور و اراده آن ظهور است که متکفل ظهور و اراده آن، وضع لغوی و قرائن عامه و اصول عقلائییه است (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳؛ ص ۱۵۶). به دیگر سخن مراد، متفرع بر فهم ظواهر است و این ظواهر همان‌طور که بیان شد متکی بر قرائن است (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳؛ ص ۱۴۰).

برونداد مطالب پیش‌گفته، لزوم توجه به عوامل مختلف محیطی و قرائن فضای صدور سخن معصوم علیهم‌السلام است. شایان بیان است فهم فضای صدور احادیث بیش از فهم سبب نزول و شأن نزول آیات اهمیت دارد؛ چرا که بی‌شماری از آیات قرآن قضایای حقیقیه بوده یا مجموع قرائن حالی و مقالی را در کنار خود دارند، در حالی که بی‌شماری از احادیث شیعه و سنی افزون بر آنکه ناظر به قضایای شخصیه‌اند، قرائن بسیاری از آنها هنگام نقل بیان نشده و از میان رفته‌اند.

از آنجایی که تأثیر شناخت فضای صدور در آثار شفاهی بیش از آثار مکتوب

است، فهم ظواهر و به تبع آن مراد نفس‌الأمری حضرات (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۳۵)^۱ در احادیث که غالب موارد در قالب اثر شفاهی بوده است، نیاز جدی‌تری به شناخت فضای صدور دارد؛ چرا که عدم توجه منجر به استظهاری ناصواب غیر از مراد خواهد شد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳؛ ص ۱۳۴).

به دیگر سخن برای فهم صحیح ظواهر و در پی آن مراد نفس‌الأمری حضرات باید توجه به فحص و اِعمال فضای صدور کلام ایشان به‌عنوان قرائن مقامیه مکتفه کلام ایشان بود؛ چرا که اهل لسان هم برای فهم کلام همان ظاهر کلام را می‌گرفته‌اند که این ظهور همان ظهور عرفی است - ولو با کمک قرائن مکتفه به کلام، این ظهور حاصل شود - (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۳۵ و ص ۱۴۱) و شارع هم ردع نکرده است، بلکه خود، همان طریقهٔ عقلاء را اختیار کرده است و در صورتی که بخواهد خلاف ضوابط اهل محاوره رفتار کند، باید قرینه بیاورد و گرنه نقض غرض تبیین شریعت خواهد بود.

بر این بنیان اینکه نائینی احتمالاتی غیر احتمال غفلت از نصب قرینهٔ مراد مثل قرینهٔ سابقه و لاحق و قرینهٔ حال در نظر عرف را مرجوح دانسته و در نظر عقلاء با اصل عدم منتفی می‌داند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۳۵) بعد از فحص خواهد بود؛ لذا اگر نسبت به موضوعی که امام علیه السلام در آن ایراد سخن داشته‌اند، احاطه تاریخی نباشد و فضای زندگی هر امام علیه السلام و احادیث ایشان شناخته نشود، رسیدن به مراد ایشان آسان نیست. لذا مرحوم نائینی قائل است بعد فحص از قرائن، عقلاء تمسک به ظهور می‌کنند و شارع طریقی غیر از این ندارد که در تنبیه دوم حجیت ظواهر اشاره شده است (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۱۴۵-۱۴۶) و میزان فحص در نگاه ایشان حصول یأس است (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۰۲).

بنا بر اینکه نائینی اصول فقه را قواعد کلی برای کبرای استنباط می‌داند، بحث از ظهورات (مدلول لفظ همراه با قرائن مکتفه از جمله فضای صدور) که محل بحث

۱. برخلاف شیخ اعظم (فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۳۶) که به بیان سید یزدی (حاشیه فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۰۶ و فرائد الاصول مع حاشیه اوثق الوسائل، ج ۱، ص ۳۰۰ - ۳۰۱)، ارادهٔ استعمالی می‌داند، همچنین برخلاف عبدالکریم حائری یزدی در درر (صص ۳۵۸-۳۵۹) که محل بحث در اصول برای فهم مراد را ارادهٔ استعمالی می‌دانند نه ارادهٔ جدی و نفس‌الامری.

این نوشتار است را هم چون بحث ظهور امر در وجوب از مبادی علم اصول می‌داند، نه از علم اصول (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۸ - ۱۹).

شایان بیان است اگر علم به معانی کلمات داشته باشیم، به همان عمل می‌کنیم اما در زبانی مثل عربی که قدمتی طولانی دارد، مواردی رخ می‌دهد که علم به معانی آن نداریم و برای فهم آن باید با گذر از مسیری مناسب، ظهور عرفی - که ممکن است به وضع یا به قرینه باشد - را به دست آورده و با اتکاء به اصول لفظیه به معنا و مراد آن رسید؛ در غیراین صورت تحلیل‌های انتزاعی در حوزه فقه و روایت و تمسک‌های متعدد به اصول عملیه جای واقع‌نگری و فهم سخنان در فضای طبیعی ایراد سخن را خواهد گرفت.

قدمتی به درازای عمر روایات مثل روایاتی از کتاب معانی الاخبار تا زمان فقه روایی تا فقه استنباطی تا کنون که دانشیانی از فقه از این عنصر نقش‌آفرین بهره برده‌اند، وجود دارد. البته اینها اثر مستقلی در مسئله حاضر پنداشته نمی‌شوند اما ورودهای شایسته‌ای مثل کتاب «فضای صدور حدیث و تأثیر آن در بازشناخت قضایای حقیقیه و خارجی» از حسین محققیان که فضای صدور حدیث را هم چون شأن نزول آیه و زمینه صدور سخن و تقریر یا نفی و یا فعل معصوم علیه السلام دانسته است و سعی بر یافتن معیارهای تمییز میان قضایای حقیقیه و خارجیه دارد تا در پرتو آن، علاوه بر فهم صحیح فرمایش اهل بیت علیهم السلام، سوء برداشت برخی از افراد مبنی بر حمل برخی از احکام و معارف اهل بیت علیهم السلام بر قضیه خارجیه و عدم تعمیم آن در دوران حاضر را نشان دهد و کتاب «بهره‌مندی فقه از تاریخ»، از مصطفی صادقی کاشانی، که یکی از جنبه‌های ضروری برای بررسی فقه را نگاه تاریخی به این علم و تطور آن در بستر تاریخ دانسته است؛ هم از جهت اینکه فقه در تعامل با تاریخ است و هم از آن جهت که باید تاریخ به عنوان بستر صدور روایات و فضای صدور احکام مورد توجه قرار گیرد و سعی در بیان مسائلی از فقه را که با بهره‌مندی از تاریخ تطور یافته یا امکان تطور دارد را بیان کند و کتاب «روابط متقابل فقه و تاریخ» از جواد سلیمانی امیری که فقه را برنامه زندگی سعادت‌مندانه و تاریخ را شرح زندگی گذشته بشر دانسته و بر این انگاره است که بدون تردید استنباط فقهی ناگزیر از

شناخت تاریخی صحیح از رجال و فضای دوران صدر اسلام است و این مهم را با بیان نمونه‌های راهبردی مثل کشف سنت و شناخت موضوع و فهم آیات الاحکام و بیان مصادیقی عینی از احکام مثل خمس سامان داده است و دانش فقه را در تاریخ نقلی و تحلیلی دارای تأثیری شایسته دانسته است؛ از جمله در تحلیل صلح امام حسن علیه السلام و انواع جهاد و انواع صلح و تحلیل امام حسین علیه السلام و تحلیل نهضت تاریخی تنباکو دانسته است و مقالاتی مثل «نقش زمان در تحول سیره‌ها و واژگان از نگاه شهید صدر» از احمد مبلغی که با بیان مقدماتی تأثیرگذاری زمان بر تطور سیره‌ها و واژه‌ها را در اقسام و انواع خودش بیان و سعی در تبیین راه‌های شناخت تطورات تاریخی در سیره‌ها، در دیدگاه شهید صدر نموده است و «تأثیر شناخت زمینه‌های صدور در فهم حدیث» از سعدی صفاری سعی کرده است تا نمونه‌هایی از احادیثی که در شرایط مختلف صادر شده را معرفی و عوامل خاص شدن احادیث را بررسی کند و «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث» از مجید معارف که دغدغه تبیین ارتباط فهم و نقد حدیث با شرایط تاریخی عصر صدور حدیث را داشته و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر صدور حدیث را به‌طور عام و اسباب صدور یا ورود احادیث را به‌طور خاص از عوامل مهم در فهم و نقد روایات دانسته و بی‌توجهی به ارتباط حدیث و تاریخ را سبب فهم ناقص بسیاری از روایات پنداشته است و «نقش و تأثیر آگاهی از شأن صدور روایات، در استنباط احکام شرعی»، از ابوالحسن مجتهد سلیمانی، که شناخت عصر شارع، معرفت به شأن صدور روایات و آگاهی از شرایط، خصوصیات و مقتضیات زمان و مکان صدور آنها را بسان قرائن حالیه متصله دانسته و بر این باور است که این قرائن حالیه فقیه را در فهم درست احادیث و ملاکات و دست‌یابی به مراد شارع و اجتهاد صحیح یاری می‌دهد و موجب تعمیم حکم و یا تقیید آن و استنباط حقیقی می‌گردد. آثار دیگر هم این مهم را حل و علاج تعارض خبار و اختلاف روش معصومان و تشخیص احکام حکومتی از غیر آن و شناخت احکام موقت و دائمی را نیز بر همین اساس میسر و مقدور دانسته‌اند؛ البته برخی آثار دیگر در این زمینه که مربوط به این مسئله هستند وجود دارند که تلاش‌های ستودنی‌ای را انجام داده‌اند. به‌نظر می‌رسد این نوشتار بیان نمونه‌های

متعدد از تأثیر فضای صدور روایات با توجه به چند بحث مختلف اصولی مربوط، تحت عناوینی مشخص در کلام دانشیانی از فقه و اصول سلف تا حاضر - با روش‌های اجتهادی متفاوت از جمله مکتب تجميع ظنون و صناعت محور - در کتب و دروس فقهی و اصولی ایشان و کتبی پیرافقهی و منابع روایی را رویه خود قرار داده است. البته با تأکید بر آراء میرزای نائینی^{علیه السلام} به همراه ساختاری جدید تا تأثیر توجه به فضای صدور در استنباط بیش از پیش پدیدار و در ذهن‌ها ترسیم گردد.

هدف فوق در دو قسمت کلی فهم واژه‌ها در عناوینی مختلف، همراه با نمونه‌های آن و فهم ترکیب‌واژه‌ها و نمونه‌های آن پی‌گیری می‌شود:

۱. فهم واژه‌ها

فهم واژه‌ها قدم اول در استنباط مفاهیم و فهم روایات و احکام شریعت نهاده شده در آنهاست. بدین جهت اهمیت و ضرورت فهم آنها بر کسی پوشیده نیست؛ بر این بنیان در کتب اصولی - فارغ از نتیجه بحث - در رسیدن به ظهور، صحبت از حجیت قول لغوی و وضع و انفهام عرفی به میان می‌آید و در کتب فقهی نیز کاوش فقیهان سترگ در دست‌یابی به فهم واژه‌ها نظاره می‌شود.

فقه‌های شیعه معتقدند که عامل زمان و مکان در موضوعات و متعلقات احکام مؤثر است، نه در ادله احکام یا خود احکام؛ لذا برای فهم موضوع روایات به شدت نیاز به توجه به زمان صدور روایات است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰).

امام خمینی^{علیه السلام} نیز ملاحظه زمان و محیط صدور روایات را بر فقیهی که متصدی استظهار از روایات بوده و ادعای انصراف و اطلاق و غلبه و ندرت می‌کند، لازم می‌داند (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶۳ - ۲۶۴).

طبق آنچه از حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} و امام صادق^{علیه السلام} نقل شده است، حضرات هم معیار و ملاک در فهم واژه‌ها و ترکیب واژه‌ها را همان فهم خود عرب دانسته‌اند؛ بدین بیان که «الکستم عرباً» را برای فهم معانی واژه و ترکیب واژه، ایراد فرموده‌اند (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷۹ - ۳۸۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۶).

این فهم عرفی، همان فهم از مفردات همراه با قرائن مقامیه و حالیه است که می‌تواند با لحاظ این قرائن، معنایی متفاوت از موضوع له را برساند. همان‌طور که

آخوند خراسانی بیان داشته است که ظهور یا به وضع می‌داند یا به قرینه (خراسانی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۲۰)؛ چرا که از کارکردهای قرینه، تعیین معنا است.

پر واضح است اگر لفظی حقیقت شرعیه یا متشرعه باشد، همین معانی مورد نظر شارع و متشرعه از آنها فهم خواهد شد و اگر یکی از این دو پدیده رخ نداده باشد، متعارف بین عرف مخاطبین شریعت و متبادر در محاورات آنها مورد تمسک است و در صورت عدم وحدت مخاطبین در این تعارف، باید پی‌جویی از وضع کرد؛ البته برخی وضع را بر عرف مقدم دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۹، ص ۱۴۳، نک: نائینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۱۲ - ۱۱).

شیخ انصاری نیز بیع را حقیقت شرعیه و متشرعیه نمی‌داند و معنای عرفی را مأوای خویش می‌شمارد و در پی کشف این معنای عرفی است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۰) در نزاع تقدم و تأخر وضع و عرف، نائینی بر این باور است که انفهام عرفی متکی بر قرائن مکتفه - مثل فضای صدور - مقدم بر وضع لغوی است (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۱۴۰ - ۱۳۹).

شایان بیان است اصل عدم نقل و تشابه زمان که مورد استفاده حین شک در تشابه معانی این زمان با معانی زمان صدور جاری می‌شود، بعد از فحص از تغییرات و تحولات و قرائن مکتفه است، بر این بنیان اگر توسط فضای صدور و قرائن دیگر به دست آمده از فحص ظهور عرفی به دست آید، پذیرفته و در غیر این صورت این اصل پناه فقیه است.

رهاورد مطالب پیش‌گفته، ضرورت توجه به فضای صدور به عنوان قرائن مکتفه کلام است؛ چرا که گاه فهم واژه‌ها با توجه به فضای صدور، مولودی غیر از ظهور اولیه متکی بر وضع آنها خواهد داشت (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۳۴).
لذا در عناوینی کاربردی، این مهم در منظر خواننده قرار می‌گیرد:

۱-۱. عام فهمی خاص نما

گاهی با تکیه بر بستر ایراد سخن که یک قرینه عمومی برای سخن بوده و راویان آن را نقل نکرده‌اند، با بیان لفظی خاص نما، عامی اراده شده است. به بیان نائینی که اخیراً گذشت، اگر توجه به این قرینه عامه شود، ظهوری غیر از ظهور جدا از این

قرینه عامه، شکل خواهد گرفت؛ بر این بنیان با کشف فضای صدور روایت که محفوف به سخن است، ظهور کلام در عموم و به تبع آن مراد معصوم علیه السلام، یعنی عموم کشف می شود.

به عنوان نمونه با کمک از دو روایت سرآجین (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۰۱) برای بیع سلاح به اهل شام - که از مسلمین بوده اند و البته از اعداء دین حساب می شدند - فرقی در تحریم بیع سلاح به اعداء دین - البته در حال جنگ - بین فریق کفر و مسلمان‌هایی که از اعداء دین حساب می شدند، وجود نخواهد داشت (قزوینی، ۱۴۲۴ق؛ ج ۲، ص ۱۷۳). بدین بیان که با توجه به فضای صدور مشخص می شود، اهل شام از مسلمین بوده و فرقی در حکم بیع سلاح به آنها و فریق کفر، وجود ندارد.

۲-۱. خاص فهمی عام نما

فضای صدور سخن به عنوان قرینه عامه، قابلیت این را دارد که شرایطی را برای متلکم ایجاد کند تا در محاوره، عامی را بیان و در عین حال مخاطب را به خاص منتقل کند. بر این بنیان امکان آن است که با توجه به فضای صدور روایت، مراد معصوم علیه السلام از الفاظ عموم، خاص باشد.

برای توضیح، مطلبی از آخوند خراسانی در بحث عام و خاص بیان می شود بدین بیان که در صورتی افاده عموم برای الفاظ عموم است که مرسل اخذ شوند و فیروزآبادی در تفسیر عبارت کفایه، احراز ارسال را توسط مقدمات حکمت می داند (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۲۴۷). به دیگر سخن برای فهم دائره عام، یعنی مدخول ادات عموم، از مقدمات حکمت استفاده می شود.

با توجه به اینکه در مقام بیان بودن و عدم وجود قدر متقین در مقام مخاطب و عدم وجود قرینه‌ای برخلاف اطلاق، از مقدمات حکمت است (خراسانی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۴۷) و فضای صدور، یاری رسان احراز «در مقام بیان» بودن و «وجود» یا «عدم وجود قدر متقین در مقام مخاطب» و بررسی «وجود» یا «عدم قرینه بر خلاف اطلاق» است، نقش آن در فهم معنای این لفظ که عام اراده شده یا لفظی عام‌نما استعمال و اراده خاص از آن شده است، نمایان می گردد.

شایان بیان است نائینی فقدان قدر متیقن در مقام تخاطب را از مقدمات حکمت نمی‌داند، مگر اینکه وجود قدر متیقن، موجب انصراف لفظ به مورد متیقن شود (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۵۷۶-۵۷۴) و پر واضح است شناخت این انصراف که متکی بر کثرت استعمال است بی‌ربط به شناخت فضای صدور نیست.

به‌عنوان نمونه با توجه به فضای صدور روایت «من بشرنی بخروج آذار فله الجنة» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۰۴-۲۰۵) صرف بشارت به خروج ماه آذار، موجب دخول بهشت نمی‌شود، بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اینکه مسلمانان متوجه شوند اباذر اهل بهشت است، این جمله را فرمودند نه اینکه صرف جواب دادن به حضرت در مورد این سوال، باعث بهشت رفتن بشود یا برداشتی شود که ماه آذار ماهی است که ذاتاً ناپسند است.^۱

ظهور صحیح از این روایت، بدون توجه به فضای صدور به دست نخواهد آمد، بلکه به بیان نائینی ظهوری غیر از ظهور بدون توجه به قرینه حاصل خواهد شد (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۳۴).

۳-۱. مقید فهمی مطلق نما

ایراد کلام به شکل مطلق و اراده مقید از آن، حاصل تکیه متکلم بر فضای صدور مقید سخن است که محقق انتقال معنای مقید است. در میان روایات، گاه چنین اتفاقی رخ داده است. بر این بنیان با کشف فضای صدور روایت، ظهور کلام در مقید و به تبع آن بنا بر اندیشه نائینی، مراد نفس الامری و جدی معصوم علیه السلام، یعنی مقید کشف می‌شود (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۳۵)؛ لذا با تکیه بر فضای صدور به‌عنوان قرینه همراه، ظهور در غیاب این قرینه، غیر از ظهور متکی بر این قرینه است.

برایند مطالب پیش‌گفته، نقدی بر باوری از مشهور در اصول فقه است که شأن نزول آیات و مناسبات صدور روایات، منحصص و مقید عموماً و مطلقات آیات و روایات یا مانع تشکیل ظهور به نحو اطلاق یا عموم نیست، چراکه شأن نزول و مناسبات صدور، گاه مانع انعقاد ظهور عموم عام و اطلاق مطلق می‌گردد؛ چنان‌که

۱. بنابر اینکه کلمه «من» به وضع برای عموم باشد و توسط مقدمات حکمت، اطلاق از آن گرفته نشود و الاً مثال برای مقید فهمی مطلق نما خواهد بود.

گاه ظهورساز، بر خلاف عموم و اطلاق است. (علیدوست، ۱۳۹۷، ص ۵۱۱)

به دیگر سخن، درست است که قابلیت تقیید و سپس نیامدن قید و رها بودن، شرطی مهم در اطلاق‌گیری است، اما تنها عدم تقیید لفظی، برای استفاده اطلاق کافی نیست بلکه باید اوضاع و احوال حاکم بر موضوع حکم و شرایط زمانی و مکانی عصر صدور روایات و ظرف بیان احکام که مقید غیر لفظی هستند، در کنار تقیید لفظی به‌عنوان معیاری برای تقیید، در نظر گرفته شود و در این صورت استعمال آن لفظ مطلق در مقید، مجاز هم نخواهد بود (خراسانی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۴۷).

همان‌طور که مشخص شد، اطلاق و مرسل بودن، زائد بر دلالت لفظ و وابسته به مقدمات حکمت مثل «در مقام بیان بودن» است که از خارج لفظ فهم می‌شود (حائری یزدی، ۱۴۱۸، ص ۳۶۰) و بحث فضای صدور در تحقق ظهور عرفی در مسیر اطلاق و تقیید نقش دارد.

بر این بنیان باید شرایط و ویژگی‌های موضوع و حکم آن در عصر صدور روایات را ملاحظه کرد و نباید صرفاً به اطلاق لفظی ادله در غیاب ویژگی‌های عصر صدور، قناعت ورزید و احکامی مطلق برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و تمامی اقوام و ملل مختلف زمین صادر کرد. (سلیمانی، ۱۳۸۳)

نمونه‌هایی برای مقید فهمی مطلق‌نما توسط شناخت فضای صدور در آثار دانشیان فقه و اصول از این قرار است:

صاحب جواهر با توجه به فضای صدور روایت ابی بصیر (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۳۳) بر سبزواری ایراد می‌گیرد که رجل در روایت مطلق نیست، بلکه مقید است؛ چرا که در زمان صدور آن، خرید و فروش خمر و خنزیر توسط کفار ذمی در سرزمین‌های اسلامی رواج داشت و بدهکار هم ذمی بوده است. لذا حکم به جواز فروش به مسلمان داده نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۵۱).

آقا رضا همدانی نیز با توجه به زمان صدور صحیحه حلبی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۰۱ - ۲۰۲) به تفسیر کلمه سلطان پرداخته و می‌فرماید در زمان این روایت سلاطین جائر بودند و امکان انصراف به امام معصوم علیه السلام و نوابشان را بعید می‌داند، چراکه در آن زمان مبسوط الید نبودند (همدانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۳)؛ لذا انصراف به سلاطین جائر دارد. نمونه دیگر، ادعای انصراف روایت از مورد خاص، توسط توجه

به زمان صدور روایت است که به جهت تفصیلش بیان نگردید (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۴۴۳؛ نک: همان، ج ۱۱، ص ۴۰۲۶ - ۴۰۲۷).

دیگر مثال در بحث آلات لهو دارای منفعت محله است، در این زمینه روایت خاصه‌ای وجود دارد که «انّ آلات المزامیر شرائها و بیها و ثمنها و التجاره بها حرام» (بروجردی؛ ۱۳۸۶ش، ج ۲۲؛ ص ۴۱۲) آلات المزامیر یعنی هر چیزی که عنوان مزارم دارد؛ مثل نی، اما با توجه به زمان صدور این روایات، این آلات مختص به آلات فساد داشته است؛ لذا روایات مربوط به آلات مختصه است (فاضل لنگرانی، خارج فقه، ۱۳۸۶/۲/۳۰).

۴-۱. تعیین یکی از معانی واژه

همان‌طور که در بحث شناخت حقیقت و مجاز نیاز به قرینه صارفه است؛ برای شناخت الفاظی که اشتراک لفظی دارند نیاز به قرینه معینه و برای شناخت مصداق الفاظی که اشتراک معنوی دارند، نیاز به قرینه مفهमे است. با بررسی‌های انجام شده در موارد متعدد، فضای صدور قابلیت این را دارد که به‌عنوان قرینه در این موارد قرار بگیرد. همچنین برای شناخت انتقال برخی الفاظ از معانی گذشته‌شان به معانی جدید، گاه آنچه بازوی پرتوان فهم مخاطب است، صرفاً همین فضای صدور کلام است.

یکی از طرق تحصیل فضای صدور، سوال راوی است؛ بدین بیان که با سوال راوی، فضای صدور روایت و در پی آن، معانی واژه‌ها در آن بستر مشخص می‌شود. بر این بنیان، نائینی طبق سوال راوی مراد از شهرت در مقبوله را شهرت روایی می‌داند، نه معنای مصطلح از شهرت که شهرت فتوائی است؛ چرا که در آن برهه، مشکل اختلاف اخبار بوده است نه اختلاف فتاوا (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۰).

همچنین ایشان در تعیین هویت خزّ که چیست توجه ویژه‌ای به زمان صدور روایات نموده و می‌فرماید: «از تاریخ به دست می‌آید که در صدر اسلام تا اواسط عصر عباسیین، استفاده از کرک خزّ برای لباس و... متداول بوده است؛ مثل ترمه در این اعصار و ظاهر این است که هیچ وجود و اثری از آن لباس‌ها و این حیوان در زمان‌های متأخره نیست و آنچه در عصر ما به این اسم معروف است، گرک آن خیلی کم است و قابلیت استفاده برای لباس‌ها و... را ندارد. لذا احتمال می‌رود که این خز

امروزی صنف دیگری از آن حیوان یا نوع دیگری باشد غیر از خنز در آن زمان» و در نهایت ایشان احتمال اول را انتخاب می‌کند (نائینی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۰-۶۶؛ نک: نائینی، ۱۴۱۱ق؛ ج ۱، ص ۲۴۴ - ۲۴۵ و ۳۶۴ - ۳۶۵).

نائینی توسط فضای صدور روایات، لفظ صلاه را از اول الأمر و از اول بعثت بر معنایی خاص که مغایر با معنای لغوی آن است موضوع می‌داند لذا می‌فرماید باید از زمانی که اشتها این معنا در لسان حضرت رسول ﷺ و تابعین ایشان صورت گرفته است، هر جا در کتاب و سنت لفظ «صلاه» آمده است حمل بر همین معنا شود؛ مگر جایی که دلیلی بر خلاف استعمال در این معنا وجود داشته باشد (نائینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۱).

محقق بروجردی نیز با توجه به تاریخ ادیان، وجود حقیقت شرعیه برای الفاظ عبادات - مثل نماز و روزه و حج و نظیر اینها - را قبول نمی‌کند (بروجردی، ۱۴۱۵ق، صص ۴۴ - ۴۵).

لفظ (قامه) موردی دیگری است که نائینی عنایت ویژه به فضای صدور روایت برای فهم معنای آن داشته است بدین بیان که در آن زمان، وقتی که این لفظ به صورت مطلق استفاده شده باشد، اصطلاح برای یک ذراع بوده است مگر جایی قرینه بر خلافش باشد (نائینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۱ - ۹۰).

برایند مطالب فوق چنین است که گاه در پرتو شناخت فضای صدور، موضوعات و حتی احکامی رخ می‌نماید؛ در بررسی برخی مقدمات فقاقت یعنی پدیده حقیقت شرعیه که ارتباط آن با فهم موضوع واضح است و اول این نوشتار تقدم آن بر معنای عرفی مطرح شد، کارکرد فضای صدور، بسیار نمایان است.

بر این بنیان است که محمدمهدی شمس‌الدین بررسی مسائل فقهی را بدون آگاهی از فضای عمومی و قرائن اختصاصی که گرداگرد آن مسئله در زمان و مکان صدور نص وجود دارد، صحیح نمی‌داند چرا که شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که متون دینی (آیات و روایات) در آن صادر شده را در فهم موضوع مؤثر می‌داند (ضیایی‌فر، ۱۳۹۴). نمونه‌هایی دیگر بدین شرح است:

امام خمینی علیه السلام با مثال زدن کلمه دینار می‌فرمایند دینار در زمان‌های قدیم منصرف به سکه طلا بوده است اما در زمان ما منصرف به دینار متعارف یا اوراق نقدیه است.

سپس ایشان به تحول جدی اوضاع مسلمان‌ها بعد زمان پیامبر ﷺ و تابعین و برخی تأثیرات دیگر در برخی مسائل اشاره می‌کنند (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶۳ - ۲۶۴).

در روایتی از فضل بن عبد الملک^۱ برای فهم اینکه موضوع، فردی مخفی بوده یا نه، باید زمان صدور روایت دیده شود؛ بدین بیان که اگر آوردن قیدی (مانند اشتراط حیات پدر) به جهت خفاء آن مسأله باشد، لزوماً خفاء آن باید از نوع خفاء پیش از صدور روایات باشد نه خفایی که پس از صدور روایات بر فقها حاکم گشته است (شیری زنجانی؛ ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۴۱۰۲).

شایان بیان است در بحث فهم موضوع توسط فضای صدور روایت، بحثی نقش آفرین در فهم احکام به نام بحث اسم‌گرایی، کارکردگرایی و ماهیت‌گرایی رخ می‌نماید که آیا «الاحکام تدور مدار الاسماء» یک اصل کلی و غیرقابل خدشه است یا گاهی اسم هست اما حکم نخواهد آمد؛ به دلیل اینکه حکم بر کارکرد یا ماهیت آن مسمی بوده است نه اسم.

امام خمینی^۲ مراد از «مصورون» در روایت را مطلق عمل مجسمه‌سازی نمی‌داند؛ چراکه زمان صدور این روایات عده‌ای قائل به صورت برای خداوند متعال بوده و علاقه وافر به بت‌پرستی داشتند و حتی شبیه آنها را برای حفظ آثار گذشتگان خود درست کردند؛ لذا پیامبر ﷺ که اهتمام بسیار زیاد به نابودی تمام بقایای آثار کفر و جاهلیت داشتند به شدت زیاد با آنها برخورد کرده، به حدی که فقط مناسب کفار و قریب آنها بود (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۹ - ۲۵۷).

میرزا جواد تبریزی نیز با توجه به فضای صدور، مراد از تصویر در روایات را، کشیدن صورت و صورت‌سازی می‌داند نه عکس گرفتن (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۳۷۸).

برخی محققین اندیشه اسم‌گرایی و کارکردگرایی را مطرح کرده و حرمت مجسمه‌سازی را به علت کارکردش، مصداق کارکردگرایی دانسته و بر این باورند که اگر به قصد احترام به اشخاص، مجسمه آنها را بسازند مشکل دارد و اگر به قصد

۱. وَعَنْ حُمَيْدِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْجَدَّ إِذَا زَوَّجَ ابْنَتَهُ ابْنَهُ وَكَانَ أَبُوهُا حَيًّا وَكَانَ الْجَدُّ مَرْضِيًّا جَازَ قُلْنَا فَإِنْ هَوَى أَبُو الْجَارِيَةِ هَوَى وَهَوَى الْجَدُّ هَوَى وَهُمَا سَوَاءٌ فِي الْعَدْلِ وَالرِّضَا قَالَ: أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ تَرْضَى بِقَوْلِ الْجَدِّ. (وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۹۰)

نماد ملی و ادبی از یک فرهنگ باشد اشکال ندارد (علیدوست، خارج اصول، ۱۳۹۷/۱۰/۹). بر این بنیان کارآیی فضای صدور برای تشخیص اندیشه اسم‌گرایی (الاحکام تدور مدار الاسماء) یا کارکردگرایی و ماهیت‌گرایی از آثار پر اهمیت است. نمونه‌ای روایی در فهم موضوع از این قرار است: در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین رسیده است که «نهى النبى عن الاختصار فى السجده»، واژه اختصار در زمان صدور با الآن متفاوت شده است. مراد از «اختصار» دست نهادن بر لگن خاصره است (طباطبائی، ۱۳۹۱؛ فرزند وحی و شهروزی، ۱۳۸۷، و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۴۷). گرچه فیومی از ازهری دو احتمال مختصر کردن آیه سجده‌دار و سجده رفتن بعد از آن یا مختصر خواندن سوره‌ای که آیه سجده‌دار دارد و گذر از آن و سجده نکردن را در معنا مطرح کرده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۷۱).

با دقت در فضای صدور می‌توان دریافت که هیچ یک از دو احتمال ازهری صحیح نمی‌نماید.

نمونه‌هایی برای فهم حکم نیز از این قرار است:

کلمه «سنت» در روایاتی مانند «القراءة سنة و التشهد سنة فلاتنقض السنة الفریضة» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۲) آمده و معنای متبادر از کلمه سنت، در عصر حاضر استحباب است در حالی که برداشت از این کلمه در عصر صدور نص «ما فرضه النبى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۱ بوده است.

شاهد بر آن عبارت شیخ طوسی است که نسبت به حل تعارض ظاهری در روایت «غسل المیت سنّه» فرموده است «مراد از سنت بودن غسل میت این است که این غسل را از سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شناخته‌ایم؛ زیرا قرآن دلالتی بر آن ندارد» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱ نقل از واسطی، ۱۳۹۵).

نمونه دیگر کلمه «مکروه» است که مراد از آن در روایات، مکروه اصطلاحی در فقه نیست (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۳۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۱۰ - ۲۱۲). همچنین مراد از کلمه «واجب» در روایات، نیز واجب اصطلاحی در کتب فقهاء نیست (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۰۳؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۴۲).

۱. آنچه که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واجب کرده است.

شایان بیان است این قلم ادعایی بر حصر تأثیر بر فهم معنای واژه‌ها در عناوین فوق ندارد و با تتبع گسترده‌تر موارد بیشتری حاصل خواهد شد.

۲. فهم ترکیب واژه‌ها

کسانی که خود را در بستر صدور ترکیبات کلامی قرار می‌دهند - با لحاظ مبانی فکری متکلم - می‌توانند جایگاه و مراد واقعی آن ترکیبات را درک کنند؛ چرا که الفاظ به تنهایی توانایی انتقال مراد متکلمی که در رساندن مرادش تکیه بر قرائن حالیه محفوفه کرده است را ندارند. برای اثبات این مدعا مطالب ذیل و تطبیقاتی بیان می‌گردد.

توجه به این روایت از امام صادق علیه السلام «أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا إِنَّ الْكَلِمَةَ لَتَنْصَرِفُ عَلَيَّ وَجُوهٌ فَلَوْ شَاءَ إِنْسَانٌ لَصَرَفَ كَلَامَهُ كَيْفَ شَاءَ وَلَا يَكْذِبُ.»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱) امکان القاء مقاصد متکلم به گونه‌های مختلف و به تبع آن امکان استظهارهای مختلف از کلام را به عرصه فکر هدیه می‌دهد.

سید یزدی با ارائه روایت فوق می‌فرماید: صادر از اهل بیت علیهم السلام در عین اینکه به موضوعی غیر از مورد سوال نپرداخته و به هفتاد کلام صحبت نکرده‌اند، قابلیت محاملی تا ۷۰ محمل را دارد (یزدی، ۱۴۲۶ق، ص ۵۱۲).

در این میان، فضای صدور به‌عنوان قرینه حالیه روایات، کمک بسیار خوبی برای استظهار صحیح و فهم مراد است؛ بر این بنیان است که شهید اول لزوم توجه جدی به تأثیر تغییر عادات مردم در استنباط احکام را با بیان چند مثال تذکر می‌دهد (عاملی، شهید اول، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۱۵۱).

مرحوم نائینی نیز نسبت به فهم ترکیب واژه‌ها می‌فرماید: گاهی دلالت جمله طبق دلالت مفردات آن است یعنی قرائنی که صارف از مفاد مفردات هستند در جمله وجود ندارد اما گاهی دلالت جمله طبق مفاد مفردات نیست؛ چرا که هر متکلمی می‌تواند قرائنی که می‌خواهد را به کلامش ملحق کند تا مراد خود را برساند و در

۱. اگر شما مقصود سخن ما را بفهمید، فقیه‌ترین مردم خواهید بود، همانا سخن به وجوه گوناگونی قابل بیان است. پس انسان اگر بخواهد می‌تواند سخن خود را آن‌طور که می‌خواهد بیان کند و دروغ نگوید (ترجمه از کتابخانه احادیث شیعه).

حقیقت این قرائن هستند که در این موقعیت، مشخص ظهور جملات ترکیبیه هستند که البته این قرائن، گاهی قرائن عامه هستند که مضبوط و محصور است؛ مثل وقوع امر عقیب حضر یا توهم حضر و مثل آنکه وجودشان موجب ظهوری متفاوت برای جمله غیر از ظهور جمله در غیاب آن قرائن است و گاهی قرائن خاصه هستند که مضبوط و محصور نیستند، بلکه به اختلاف خصوصیات و حالات و متکلمین فرق می‌کند (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۴۰ - ۱۴۱).

نمونه‌هایی در آثار فقهاء از جمله نائینی

مرحوم نائینی با توجه به قرائن مکتفیه روایات دال بر طرح اخبار مخالف کتاب، این روایات را ظاهر در طرح اخبار جعلی زمان حضرت صادق علیه السلام که دال به الوهیت حضرت و منکر وجوب صلاه و صوم و زکات بودند می‌داند (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۲). همچنین ایشان مطلبی را از استاد خویش نقل و در نقد آن، شناخت صحیح فضای صدور را مطرح و تأثیر آن در فهم شایسته را مورد توجه قرار می‌دهد، نه اینکه منکر نقش فضای صدور شود (نائینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۲۲۱ - ۲۲۲، نک: فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، صص ۵۰۰ - ۴۹۹).

پر واضح است قضیه حقیقیه بودن این روایات با تأثیر فضای صدور در فهم آنها هیچ تضادی با هم ندارد، بلکه این قرینه در فهم درست آنچه حقیقیه و کبرای کلیه است مؤثر است و موجب خارجیه شدن آن نمی‌شود، به دیگر سخن درست است که موجب خارجیه شدن، نشده است اما مفسر آنچه قضیه حقیقیه بوده، است. ایشان در مثال خز که گذشت و مثال‌های دیگر به خوبی این مهم را در فرایند استنباط خویش عملی ساخته است و اگر جایی احتمال نصب قرینه را مرجوح و به اصل عدم منتفی دانسته، بعد از فحص است.

امام خمینی علیه السلام با توجه به فضای صدور که مبادله حیوان به حیوان چیز شایعی بوده، انصراف روایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم یعنی «صاحب الحیوان بالخیار» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۰) به مشتری را قبول نکرده و قائل است مدعی انصراف دچار قیاس زمان صدور روایت با زمان خود شده است و روایت امام رضا علیه السلام هم که «صاحب الحیوان مشتری بالخیار» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۷) در زمانی بوده است

که مبادلات به طلا و نقره بوده است؛ لذا می‌توان ادعا نمود که قید در آن غالبی است و نمی‌تواند مقید کلام حضرت رسول ﷺ شود (عصار پورآرانی، ۱۳۸۶، صص ۱۹۰ - ۱۹۱).

همچنین امام خمینی علیه السلام با توجه به بستر صدور، احتمال داده‌اند که مراد از روایت امام باقر علیه السلام که فرموده‌اند: «من افتی الناس بغير علم و لاهدی من الله لعنته ملائکه الرحمه و ملائکه العذاب» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۰۵) رد بر کسی است که طبق قیاس و استحسان فتوی می‌دهد (فاضل لنکرانی، خارج فقه، ۱۳۸۵، جلسه ۱۹).

دیگر نمونه، روایت «انت و مالک لأبیک» در بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که مراد حضرت، بدون تبیین توسط فضای صدورش واضح نخواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۷۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۵) و حتی مستمسک برخی افراد برای حمله به فقه بلکه شریعت قرار خواهد گرفت. محقق خوئی روایت شامل بر «انت و مالک لأبیک» (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۶۵) را بر اخلاقی بودن این قضیه یا محامل دیگر ضرور دانسته است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۱۶۶).

سید عبدالحسین لاری با توجه به زمان صدور، فرق گذاشتن شیخ انصاری بین اجاره منزل برای بیع خمر در آن با بیع چوب برای صلیب یا بت ساختن را قبول ندارد؛ بدین بیان که بر فرض پذیرش ندرت ساختن بت و صلیب از چوب، این ندرت را برای زمان ما دانسته نه زمان صدور روایات و این ندرت را مانع حمل روایت بر آن نمی‌داند (لاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۵).

همچنین محقق بروجردی به دو دلیل متکی بر زمان صدور، استظهار خاصی از اخبار اقامه عشره و مرور به ضیعه و منزل می‌کنند که هر دو دلیل با عنایت و توجه به فضای صدور روایات است: ۱. حکم اقامه عشره در آن زمان از مسلمات بوده است؛ لذا این روایت در صدد بیان این مطلب نیست. ۲. بحث مرور به ملک در فضای صدور این روایت بحثی معنون در فقه عامه و مورد سوال اصحاب بوده است؛ لذا این روایات نمی‌خواهد حکم اقامه عشره را مطرح کند، بلکه می‌خواهد حکم مرور به ضیعه و منزل را روشن کند (بروجردی، ۱۴۱۶ق، صص ۱۹۶ - ۲۰۱).

استظهار سید ابوالقاسم خوئی از ادله حرمت خلوت با اجنبیه، با توجه به فضای صدور این روایات، نهی از قعود مرد با زن در بیت الخلاء است؛ چرا که در آن زمان این خلوت متعارف بوده است. ایشان برای استظهار خویش، مؤید هم می‌آورند

(مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، ۱۳۸۴، نقل از خوئی، ج ۱، ص ۲۱۷) برخلاف فقهایی دیگر که استظهاری متفاوت یعنی حرمت تنهایی یک زن و مرد را مطلقاً یا حداقل در صورت ترس از گناه مطرح کرده‌اند (صادقی کاشانی، ۱۴۴۴ق، ص ۲۱۴ نقل از عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳۲۴، یحیی بن سعید حلی ۱۴۰۵ق، ص ۵۵۴، توضیح المسائل مراجع، مساله ۸۸۹).
دیگر نمونه، روایات مورد استناد برای عدم تشکیل حکومت در زمان غیبت است که با توجه به فضای صدور آنها دال بر مراد مستدلین نخواهد بود. (علیدوست، خارج فقه سیاسی، ۱۳۹۷، جلسه ۹ - ۱۶)

نمونه‌ای دیگر که عدم فهم صحیح آن موجب ایجاد برخی شبهات می‌شود، روایت «ولد الزنا شر الثلاثه» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۵۳۴، ش ۲۳) است که معنای تحت‌اللفظی آن با عقل و نقل معارض است، از نظر عقل فرزند زانی و زانیه نباید بدتر از زانی و زانیه باشد، با اینکه هیچ اختیاری از خود نداشته است و از نظر نقل با آیه «ولا تزر وازرةٌ وزرَ اُخری» (انعام، ۶، آیه ۱۶۴ و اسراء، ۱۷، آیه ۱۵ و فاطر، ۳۵، آیه ۱۸، الزمر، ۳۹، آیه ۷، النجم، ۵۳، آیه ۳۸) که یک اصل مسلم قرآنی است تعارض دارد و چنین قصدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بعید به نظر می‌رسد (علیدوست، خارج فقه القضاء، ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸، جلسه ۴۸). لذا با مطالعه و شناخت زمینه صدور، این استبعاد رفع شده و معنای حقیقی آشکار می‌گردد؛ چراکه این حدیث درباره اباغره جمحی است که به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ناسزا گفته و خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و نیز به ایشان خبر رسید که او ولد الزنا است و آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حدیث را درباره او گفت. بنابراین شر بودن او نه به خاطر ولد الزنا بودن است، بلکه به جهت اعمال خود اوست (صفاری، ۱۳۸۴).

برونداد مطلب پیش گفته چنین است که با توجه به فضا و شرایط صدور ممکن است معنای خاصی غیر از مفاد مفردات سخن، اراده شده باشد؛ لذا با کشف فضا و شرایط خاصی که ظرف صدور کلام بوده است، امکان فهم صحیح مراد متکلم نیز بیش از پیش است.

شایان بیان است که تأثیر مورد اشاره در این نوشتار به معنای این نیست که ضعف دلالتی وجود داشته است و فضای صدور، جابر ضعف دلالت شود تا که

اشکال شود دلالت، رابطه لفظ و معنا است و اگر لفظ دلالتی داشته باشد تمسک می‌شود و گرنه قابل اخذ نیست، بلکه همان‌طور که بیان شد دلالت و ظهور عرفی کلام با کمک قرائن مکتنّفه از جمله بستر صدور است افزون بر این مطلب، اعتبار سنجی طرق تحصیل فضای صدور، مجالی جدا می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

۱. فضای صدور روایات از قرائن عامه‌ای است که نائینی فهم ظهور کلام را متکی بر آن می‌داند که این قرینه رساننده معنای صحیح مفردات مظروف خود است؛ بر این بنیان با توجه به فضای صدور روایات، مسیر فقاهت متکی بر روایات - با هر روش اجتهادی که فقیه داشته باشد - واقع‌گراتر، طی خواهد شد و در ورطه کج‌فهمی و عدم درک مطلق از واژه‌ها و ترکیب‌واژه‌ها وارد نخواهد شد؛ چرا که روایات نیز مثل کلام هر متکلم حکیمی که در فضای محاوره عقلانی به دنبال القاء مراد نفس‌الامری خویش به مخاطبش است، در خلأ صادر نشده‌اند و متکی بر قرائن عمومی و حافه کلام بوده‌اند و الفاظ به تنهایی توانایی انتقال مرادش را ندارند و به بیان مرحوم نائینی عدم توجه به این قرائن استظهاری متفاوت از استظهار متکی بر قرائن خواهد داشت.

۲. با عنایت به مبانی اصولی و فقهی مرحوم نائینی و تبعی که در کتب فقهی و اصولی و روایی انجام شد، مثال‌های متعددی رخ نمود که فضای صدور عبارت مبین معنا و مراد آنهاست. این مثال‌ها تحت عناوینی خاص در بحث فهم واژه‌ها مثل تعیین یکی از معانی واژه، مانند شهرت روایی دانستن لفظ شهرت در مقبوله و تعیین معنای خزّ در روایات در فقاهت نائینی، به خواننده محترم ارائه گردید و اصل عدم نقل و تشابه ازمان بعد از این فحوص از قرائن دانسته شد و نمونه‌هایی در کلام فقهاء و روایات در فهم ترکیب واژه‌ها بیان شد که فضای صدور، مبین مراد متکلم از ترکیب واژه‌ها بوده و مطلبی خلاف ظاهر اولیه، فارغ از توجه به فضای صدور - در عین وضوح معنای مفردات آن - را به مخاطب منتقل می‌کند. همان‌طور که مرحوم نائینی فرمود گاهی ظهور ترکیبات کلامیه غیر از ظهور مفردات است و خودشان در مراد از اخبار دال بر طرح اخبار مخالف کتاب این اخبار را تأویل‌گر و جوب صلاه و صوم و... دانستند.

۳. اصل عدم نقل و تشابه ازمان که در شک در معنای واژگان به کار می‌رود، بعد از فحص از قرائن همراه سخن است و فرق تأثیر فضای صدور با جبران ضعف دلالت، چنین بیان شد که فضای صدور یاری‌رسان تحقق ظهور عرفی برخاسته از لفظ محفوف به قرائنش است، نه جبران ضعف دلالت بعد از عدم ظهور داشتن آن.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
کتابها
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. قم: دار سیدالشهداء.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳. _____ (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۴. _____ (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*. نجف اشرف: دار المرتضویه.
 ۶. احسانی فر لنگرودی، محمد (۱۳۸۵ش). *اسباب اختلاف الحدیث*. قم: دار الحدیث.
 ۷. اخوان صراف، زهرا (۱۳۸۷). *مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی*. قم: بوستان کتاب.
 ۸. اشتهاودی، علی پناه (۱۴۱۷ق). *مدارک العروة*. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
 ۹. امامی خوانساری، محمد (بی تا). *الحاشیة الأولى علی المکاسب*. بی جا.
 ۱۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۱۱. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۲. البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل ابو عبد الله (۱۴۰۷ق). *الجامع الصحیح المختصر*. (محقق: مصطفی دیب البغا)، الیمامه: دار ابن کثیر.
 ۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیة.
 ۱۴. بروجردی، سید حسین (۱۳۸۶). *جامع أحادیث الشیعة*. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
 ۱۵. _____ (۱۴۱۲ق). *الحاشیة علی کفایة الأصول*. قم: انصاریان.
 ۱۶. _____ (۱۴۱۵ق). *نهاية الأصول*. تهران: تفکر.
 ۱۷. _____ (۱۴۱۶ق). *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر*. قم: دفتر حضرت آیت الله بروجردی رحمته.
 ۱۸. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *صراط النجاة*. قم: دار الصدیقة الشهیدة.
 ۱۹. حائری یزدی، سید عبدالکریم (۱۴۱۸ق). *درر الفوائد*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
 ۲۰. حسینی فیروزآبادی، مرتضی (۱۴۰۰ق). *عناية الأصول فی شرح کفایة الأصول*. قم: کتابفروشی فیروزآبادی.
 ۲۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
 ۲۲. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*. قم: موسسه سید الشهداء.

۲۳. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۳۱ق). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲۴. خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمة*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۵. _____ (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۶. _____ (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل مراجع*. قم: جامعه مدرسین.
۲۷. خوئی، سید ابو القاسم (بی تا). *مصباح الفقاهة (المکاسب)*. بی جا.
۲۸. _____ (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۲۹. سیستانی، سید علی (بی تا). *تعارض الأدله و اختلاف الحدیث*. بی جا.
۳۰. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۳۱. صادقی کاشانی، مصطفی (۱۴۴۴ق). *بهره مندی فقه از تاریخ*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۳۲. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. _____ (۱۴۲۶ق). *التعارض*. قم: مؤسسه انتشارات مدین.
۳۵. طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰ش). *منطق فهم حدیث*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۸. _____ (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۹. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۴۰. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۱. عاملی، محمد بن مکی (بی تا). *القواعد والفوائد*. قم: کتابفروشی مفید.
۴۲. عصارپور آرانی، محمد (۱۳۸۶ش). *روش های فقه الحدیثی امام خمینی علیه السلام*. قم: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۴۳. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۷ - ۱۳۹۸). *خارج فقه سیاسی*.
۴۴. _____ (۱۳۹۷). *فقه و حقوق قراردادها (ادله عام قرآنی)*. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۵. _____ (۱۳۹۸ - ۱۳۹۷). *خارج اصول*.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۸۵ - ۱۳۸۶). *خارج فقه*.

۴۷. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۰). *رسائل فی الفقه و الاصول*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۴۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). *القواعد الفقهیة*. قم: چاپخانه مهر.
۴۹. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير*. قم: موسسه دارالهجرة.
۵۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر التمعی*. قم: دار الكتاب.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۲. لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق). *التعلیقة علی المکاسب*. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۵۳. مامقانی، محمدحسن (۱۳۱۶ق). *غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب*. قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
۵۴. مروی، جواد (۱۳۹۹ - ۱۴۰۰)، *خارج فقه*.
۵۵. موسوی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق). *الاتصار فی انفرادات الإمامیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۶. موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۲۴ق)، *ینایع الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۷. نائینی، محمد حسین (۱۳۵۲). *أجود التقريرات*. قم: مطبعة العرفان.
۵۸. _____ (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*. قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۹. _____ (۱۴۱۱ق). *کتاب الصلاة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۰. _____ (۱۴۱۸ق). *رسالة الصلاة فی مشکوک*. قم: موسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۶۱. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۲. همدانی، آقارضا بن محمد هادی (۱۴۲۰ق). *حاشیة کتاب المکاسب*. قم: مولف.

مقالات

۶۳. صفاری، سعدی (بهار و تابستان ۱۳۸۴). تأثیر شناخت زمینه‌های صدور در فهم حدیث، فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث، ش ۳۵ - ۳۶، ص ۱۰۱ - ۱۲۴.
۶۴. ضیائی فر، سعید (۱۳۹۴). تأثیر آگاهی از فضای صدور در اجتهاد، کاوشی نو در علم فقه، ش ۲، ص ۵۳ - ۷۸.
۶۵. طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۳۹۱). فضای صدور، علوم حدیث، ش ۴، سرمقاله.
۶۶. علوی نژاد، سید حیدر (۱۳۷۹). فهم متن در افق تاریخی آن، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۷۸ - ۲۱۷.
۶۷. فرزند وحی، جمال و شهروزی، محمدجعفر (۱۳۸۷). اسباب ورود حدیث در کافی، سفینه، ش ۱۹، ص ۳۷ - ۷۷.
۶۸. مبلغی، احمد (۱۳۷۹). نقش زمان در تحول سیره‌ها و واژگان از نگاه شهید صدر. *فقه اهل بیت*، ش ۲۴، ص ۷۷ - ۱۰۴.

۶۹. مجتهد سلیمانی، داود (۱۳۸۳). اسباب صدور حدیث. مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۶. ص ۶۵ - ۸۰.
۷۰. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۵). روش‌شناسی تحلیل لغت در فرایند استنباط فقهی. کاوشی نو در علم فقه، سال ۲۳، ش ۲. ص ۳۱ - ۶۲.